

کاتوزیان

ومید آگاه^۱محمدمسین شریف^۲

چکیده

دو مقدمه در یک متن - تقدیم به حقوق دان فقیه ادیب کثیرالابعاد، دکتر استاد جعفری لنگرودی به پاس گنجینه‌شان برای حقوق ایران

مقدمه علم حقوق، عنوان درسی است در فهرست آموزشی دانش حقوق در ایران که سالیان درازی است در دانشکده‌ها و گروه‌های حقوق، تدریس می‌شود. درسی که ابتدای ورود دانشجویان به مقطع کارشناسی در دانشگاه‌ها طی ترم اول رشته حقوق، ارائه می‌شود. هدف از تعیبه این درس، شناخت مباحث و مفاهیم بنیادین علم حقوق است که قاعدتاً فلسفه حقوق، ماهیت، مبانی، منابع و شمای کلی نظام حقوقی را دربر می‌گیرد. در میان خیل کتاب‌های مقدمه علم حقوق، دو اثر پیشگام و ممتاز، «مقدمه عمومی علم حقوق» از استاد جعفری لنگرودی و «مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران» از ناصر کاتوزیان است که اولی، تقدم تاریخی دارد و دومی، به دلیل ترک فضای رسمی حقوق و بعد آن، مهاجرت استاد جعفری لنگرودی، بسیار بیشتر رواج دارد. در این مقاله، دو کتاب به طور تطبیقی، تحلیل و نتیجه نشان می‌دهد هرچند، مقصود استاد جعفری لنگرودی، از عنوان «مقدمه عمومی علم حقوق»، پرداختن به مقدمه محض دانش حقوق، فارغ از گرایش‌های آن است؛ اما این اثر ارزشمند، بیشتر، مقدمه اصول فقه است. کتاب کاتوزیان نیز، مقدمه حقوق خصوصی با تاکید بر حقوق مدنی و ادله اثبات دعوی است. آخر اینکه، عدالت و حقوق بشر، مقولات نحیف و مغفول این کتاب‌های ارجمند هستند.

کلیدواژه: مقدمه علم حقوق، حقوق خصوصی، عدالت، اصول فقه، استاد جعفری لنگرودی، کاتوزیان

۱. عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، عضو موسس و بازرس انجمن ایرانی حقوق اداری
Email: dragah@atu. Ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه علامه طباطبائی
Email: mhsharif98@gmail.com

در همه رشته‌ها از هنر و معماری گرفته تا فلسفه و جامعه‌شناسی و حقوق، با هدف شناخت کلی موضوعات و مفاهیم اصیل و پایه‌ای، آثاری تحت عنوان «مقدمه» به رشته تحریر درآمده است. نوشتن مقدمه بر علوم مختلف به جهت بررسی و آموزش مفاهیم ابتدایی و بنیادی صورت می‌گیرد و در نظام آموزشی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. تدوین مقدمه به دلیل رویکرد کلی و جامع‌گونه خود، مانند شعر سعدی، سهل و ممتنع است: چون به مفاهیم پایه‌ای می‌پردازد، ساده به نظر می‌رسد؛ اما اصلا ساده نیست و نویسندگانی در این عرصه موفق هستند که جدای از قریحه، مهارت و تسلط علمی، درکی کامل و عمیق نسبت به مفاهیم، مبانی و در کل، رشته موردنظر داشته باشند و حقوق هم در این میان، مستثنی نیست.

در ایران، مقدمه علم حقوق به‌عنوان یکی از دروس آموزش رشته حقوق برای دانشجویان نو ورود در مقطع کارشناسی است و در رشته‌های دیگر مثل مدیریت هم، تدریس می‌شود. ضمن آنکه وفق سنت چند ده ساله، این درس در ترم نخست و غالباً به عنوان تنها درس حقوقی ارائه می‌شود و همین نیز، بر اهمیت موضوع، افزوده است. اساتید نامور و پرآوازه‌ای در این موضوع نوشته‌اند. از سید حسن امامی در جلد چهارم کتاب حقوق مدنی خود، گرفته تا موسی جوان در کتاب کلیات حقوق و مهم‌تر از اینها، آثار استادان استاد جعفری لنگرودی و امیرناصر کاتوزیان یعنی «مقدمه عمومی علم حقوق»^۱ و «مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران»^۲ که موضوع این نوشته است. استاد جعفری لنگرودی، متولد ۱۳۰۲ و مقدمه عمومی علم حقوق ایشان نخستین بار در ۱۳۴۱ چاپ می‌شود. کاتوزیان نیز متولد ۱۳۰۶ و نخستین چاپ کتاب ایشان، ۱۳۴۹ است. بعد از ایشان نیز، بسیاری این سنت را ادامه می‌دهند که تحلیل آنها، مجال مفصل دیگری را می‌طلبد.^۳

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، چاپ ۸، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳.
۲. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ ۷۸، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.
۳. به عنوان مثال ر.ک: ۱- ساکت، محمدحسین، حقوق‌شناسی، دیباچه‌ای بر دانش حقوق، چاپ ۱، ۱۳۷۱، چاپ ۲، ثالث، ۱۳۸۴. واحدی، قدرت‌الله، مقدمه علم حقوق، چاپ ۲، تهران، میزان، ۱۳۸۵. ۲- دانش‌پژوه، مصطفی، مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۹.

در این نوشتار، دو کتاب یادشده از منظر شکل و محتوا به اجمال مطالعه می‌شود و هدف، کشف زاویه دید دو استاد در ترسیم مطالب و نگاه ایشان در چگونگی ارائه رشته مشکل حقوق به دانشجویانی است که تازه پا در این ساحت نوین گذاشته‌اند. ساختار دو اثر، عناوین مشترک و متفاوت و محتوای آنها و سرانجام، تصویر کلی برساخته دو استاد از این درس، اجزای این وجیزه هستند.

۱- ساختار و انتظام دو اثر

۱-۱- کتاب استاد جعفری لنگرودی، با مقدمه‌ای ۸۰ صفحه‌ای آغاز می‌شود و پس از آن، دو کتاب داریم: کتاب اول در سه مبحث و کتاب دوم در دو مبحث و هر مبحث نیز، شامل چند فصل و هر فصل، شامل چند قسمت است. مقدمه ۸۰ صفحه‌ای که عمده مطالب کتاب را در خود، جای داده؛ به قواعد و مبانی حقوق پرداخته است. کتاب اول صرفاً موضوعات و مفاهیم عام‌الشمول را که در همه نظام‌های حقوقی وجود دارند واکاوی کرده است که از دیدگاه نویسنده، مباحث مرتبط با حقوق باختری است و کتاب دوم به فنون استنباط می‌پردازد.

کتاب اول شامل سه مبحث است. در مبحث اول به کلیات حقوق (حقوق نوعی و شخصی)، در مبحث دوم به موضوع (قوانین) شامل (کلیات و کلیات تفسیر قانون) و در مبحث سوم، به (حقوق و اهلیت) پرداخته شده است. کتاب دوم که به فنون استنباط می‌پردازد، شامل دو مبحث است: اصول فقه شیعی که به گفته ایشان، بیش از هفتاد فن بررسی شده است که بسیاری از آنان در کتابهای اصول فقه، بحث شده‌اند.

کتاب استاد، ساختار منظمی ندارد و مثلاً مقدمه ۸۰ صفحه‌ای ذیل هیچ ساختار پلان‌نویسی اعم از فصل، قسمت و... تعریف نشده است. گویی استاد بیشتر در پی تدوین اولیه اثر بوده‌اند و قرار بر این بوده که به تدریج تکمیل شود که البته چنین نشده است. چنان‌که در انتهای پیش‌گفتار سال ۶۲ به آن اشاره کرده‌اند^۱ مطالب دو کتاب، نظمی تحمیلی دارد و به تقسیم بندی درنیامده و باز هم استاد، این مهم را در پانوشتی تایید کرده‌اند: «...انتزاع جهت جامع، برای مبحث و برای بعضی از فصول میسر نیست، یعنی طبیعت موضوعات مورد مطالعه، مانع از این

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۱۱.

امر بود و فقط از باب سهولت تعلیم، تحت تقسیم‌بندی ... می‌شود»^۱. امری که به هر حال، مطالعه را برای دانشجویان، دشوار می‌کند.

۲-۱- مقدمه کاتوزیان مشتمل بر دویخش است و هر بخش، پنج فصل: بخش نخست، قواعد حقوق و بخش دوم، حق فردی. در بخش قواعد حقوق، صحبت از «مبنا و هدف حقوق، اوصاف قاعده حقوقی، دانش حقوق و شاخه‌های آن، منابع حقوق و قلمرو اجرای حقوق» است و در بخش حق فردی، پس از «کلیات» به بررسی «اقسام حق، منابع حق فردی، تملک و انتقال و زوال حق و اجرای حق» می‌پردازد. این فصل‌های پنج‌گانه نیز، هریک به دو یا سه مبحث تقسیم شده‌اند. لذا انتظام مقدمه کاتوزیان، بیشتر و مطالعه آن، بسیار آسان‌تر است و البته محرکی را که استاد جعفری لنگرودی نداشته است، استاد کاتوزیان داشته است و به رغم سال‌ها دوری از نهاد دانشگاه به دلیل بی‌مهری دولت، مقدمه کاتوزیان، در بازار نشر، رایج بوده و همین امر، تاثیر بسزایی داشته است.

گفتنی است هر دو استاد از شیوه شماره‌گذاری برای مطالب استفاده کرده‌اند.

۲- شباهت‌ها و تفاوت‌ها در عناوین کتاب‌ها

با بررسی فهرست هر دو اثر، موضوعات مشترک و متفاوتی یافت می‌شود که البته وجود نقاط اشتراک، معلول پژوهش هر دو نویسنده در موضوع واحد است و موضوعات متفاوت، ناشی از نگاه متفاوت دو نویسنده به مباحث مرتبط با مقدمه علم حقوق است که با مبنا قراردادن فهرست کتاب لنگرودی، به ذکر محدوده مشترک و میداین متفاوت می‌پردازیم.

۲-۱- اشتراکات در عناوین

در ۸۰ صفحه نخستین کتاب استاد جعفری لنگرودی، آنچه با عناوین کتاب کاتوزیان مشترک است، صرفاً در مباحثی نظیر تعریف حقوق، نظریه حقوق فردی، نظریه اجتماعی حقوق، نظریه منشأ دولتی، رابطه حقوق و اخلاق، هدف قانون، نظریه اصالت فرد و اصالت اجتماع، تعارض و جایگاه قانون عادی با قانون اساسی، جهل به قانون، تعریف رویه قضایی، دکترین و مباحث مرتبط با مطالعات تطبیقی است.

۱. همان، ص ۱۳۲.



در کتاب اول، قسمت اول از فصل اول و مبحث اول، جز دو مطلب که در افتراقات به آنها اشاره خواهیم کرد، هر آنچه استاد جعفری لنگرودی ذیل عناوین مبحث اول در هر دو فصل خود از کتاب اول ذکر کرده‌اند، در کتاب کاتوزیان نیز مورد بررسی قرار گرفته است که شامل مطالبی چون بررسی علم یا فن بودن حقوق، ارتباط حقوق با سایر علوم، حقوق و اخلاق، حقوق و عدالت، حقوق و علوم اجتماعی، تشکیل حق، حقوق طبیعی و حقوق موضوعه است.

در بررسی دیگر اشتراکات، عناوین در مبحث دوم کتاب اول استاد جعفری لنگرودی که به بررسی قوانین می‌پردازد، کلیاتی است در باب قانون؛ مباحثی نظیر «قانون و معانی آن، قوانین امری و تکمیلی و قوانین اختیاری،^۱ نظم عمومی، بی‌اثر بودن قانون نسبت به گذشته و استثنای قاعده (قلمرو حقوق در زمان)، حق و حکم، نسخ قانون و انواع نسخ، ضمانت اجرای قانون^۲ و قلمرو اجرای قوانین و قواعد حقوقی در زمان و مکان» که این موارد در کتاب کاتوزیان نیز، مطالعه شده‌اند که البته بعضاً ایشان، موارد مذکور را با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار داده است. اما در فصل دوم کتاب اول استاد جعفری لنگرودی که به کلیات تفسیر قانون و اقسام آن می‌پردازد، در عناوینی نظیر مباحث مرتبط با تفسیر قوانین و اقسام آن و قیاس، موضوعات مشترک هستند.

۲-۲- نقاط افتراق عناوین

۲-۲-۱- بسیاری از تفاوت‌های موجود در عناوین مطالب دو کتاب، ناشی از تفاوت نگاه دو نویسنده در مسائل مرتبط با مقدمه‌نویسی در علم حقوق است. مقدمه علم حقوق، رسالت آن دارد تا دورنمایی شفاف از کلیات و مباحث بنیادین این رشته ارائه دهد که ذهن دانشجویان مبتدی و هر آن‌کس را که خواهان آشنایی حداقلی با کلیات حقوق باشد، با موضوعات این علم آشنا سازد. برای مثال، استاد جعفری لنگرودی به مباحث اهلیت توجه داشته، درحالی‌که کاتوزیان به این مهم نپرداخته است.

۱. استاد جعفری لنگرودی، این سه مبحث را ذیل عنوان اقسام قوانین حقوق خصوصی آورده است (صص ۹۸ - ۹۵). درحالی‌که کاتوزیان، آنها را با اندک اختلافی، ذیل عنوان درجه‌های اجبار ناشی از قانون مورد بحث قرار داده است (صص ۱۶۳-۱۵۸).

۲. البته کاتوزیان، بحث ضمانت اجرا را در شمار «اوصاف قاعده حقوقی» و تحت عنوان ضمانت اجرای حقوق آورده است (ص ۵۵).

۲-۲-۲- استاد جعفری لنگرودی مطالب را مبتنی بر یک نگرش تاریخی، ایدئولوژیک و مطابق فرهنگ دینی به رشته تحریر درآورده است. برای مثال، قسمت اعظم کتاب دوم اثر ایشان، بالغ بر ۱۱۰ صفحه به «قواعد استنباط» و اصول فقه می‌پردازد. چنان‌که خواننده گمان می‌برد، کتاب اصول فقه را می‌خواند. ضمن آنکه گفتیم، این درس در ترم نخست مقطع کارشناسی ارائه می‌شود و مباحث اصولی با آن درجه از دشواری، جدا از فقد ارتباط با رسالت درس مقدمه، ظرفیت تعلیم و تعلم در ترم اول ندارد.

۲-۲-۳- کاتوزیان در کتاب خود که رسالت اصلی آن را، آماده کردن ذهن مبتدیان برای فراگرفتن مطالب اصلی این علم می‌داند تا شروعی باشد بر کاوش‌های آینده آنان،^۱ نگاه متفاوتش در مطالب، در مقایسه با استاد جعفری لنگرودی، قابل تشخیص است که در عناوین کتاب نیز، متجلی است. به عنوان مثال، مبنای حقوق و ادوار تاریخی آن، روش‌های تحقیق در علم حقوق، نظام‌های حقوقی، نظریه حق مکتسب و آثار آینده قراردادها، که استاد جعفری لنگرودی به آنها نپرداخته است.

۲-۲-۴- اگر مطالب اصول فقه - که درس متفاوتی از مقدمه علم حقوق می‌باشد - مهم‌ترین قسمت خارج از موضوع کتاب استاد جعفری لنگرودی است، این مهم درخصوص کاتوزیان، قسمت غالب کتاب ایشان است. چنان‌که مبحث سوم فصل پنجم بخش دوم یعنی «اثبات حق»، همان مطالب درس ادله اثبات دعوا است که برای دانشجوی ترم اول، مفید نیست. بدین لحاظ، ۲۷ صفحه آخر کتاب، خروج موضوعی دارد. ضمن آنکه از صفحه ۲۵۸ تا ۳۱۳ نیز مباحث ریز حقوق مدنی و قراردادها، حکایت از دل‌بستگی استاد به حوزه کاری شان دارد و از بعیدترین مباحث برای درس مقدمه است که بیش و پیش از هر امری، باید بگوید حقوق چیست و از کجا آمده و به چه کار می‌آید.

البته آنچه گفته شد، صرفاً بررسی عناوین بود، چون در برخی از مباحث با وجود اینکه هر دو استاد، مفهوم و مطالبی را مهم دانسته و ذکر کرده‌اند، اما از ذکر جزئیات و تفصیل آن، خودداری ورزیده‌اند. برای مثال، در موضوع تفسیر قواعد حقوقی، هر دو استاد به مفهوم پرداخته‌اند، اما کاتوزیان برای تفصیل به سراغ مباحث دیگری نظیر مبانی تفسیر (تفسیر لفظی

یا تحلیلی و مکتب تحقیق علمی آزاد) و اشکال تفسیر در قوانین کیفری و اساسی و مدنی رفته است.

۳- محتوای اشتراکات

در این قسمت، محتوای نقاط اشتراک مطالعه شده تا مشخص شود، شباهت در عناوین، تا چه حد به شباهت در محتوا انجامیده است.

۳-۱- با دقت نظر در محتوای قسمت‌های مشترک، مفادی وجود دارد که صرفاً اشتراک در عنوان داشته‌اند، اما در محتوا متفاوتند. برای مثال، استاد جعفری لنگرودی، نظریات حقوق فردی، منشأ اجتماعی و منشأ دولتی را ذیل منشأ پیدایش حق و تکلیف آورده‌اند. به دیگر سخن، استاد؛ سرچشمه حقوق را فرد، اجتماع یا دولت می‌داند،^۱ در حالی که کاتوزیان، نظریات مذکور را ذیل «هدف قواعد حقوق» می‌آورند. ایشان در فصل اول بخش نخست، ذیل عنوان هدف قواعد حقوق، شناخت مبانی حقوق را صرفاً در گرو شناخت هدف حقوق، ارزیابی می‌کند.^۲ استاد، هدف تمام قواعد حقوقی را تأمین آسایش و نظم عمومی و اجرای عدالت می‌داند و با طرح این پرسش که آیا هدف ایجاد تمام قواعد حقوقی، آسایش و آزادی فرد باشد و انسان مبنا و هدف قرار بگیرد یا آنکه هدف اصلی، نیازهای اجتماعی است و فرد به‌عنوان جزئی از آن مورد توجه است؛ در پاسخ، نظریات حقوق فردی، اجتماعی و دولتی را بیان می‌دارد.

۳-۲- در بحث نیروی الزام‌آور قانون، استاد جعفری لنگرودی بیان می‌دارد، چه نیرویی در قانون نهفته است که جامعه را وادار به اطاعت از قانون می‌کند؟^۳ و همین بحث را کاتوزیان تحت عنوان «قدرت اجبارکننده و اعتبار قانون و الزام ناشی از قانون» بررسی کرده است. استاد جعفری لنگرودی به نیروهای متعدد الزام‌کننده قانون اشاره می‌کند که عبارتند از: فطرت، عرف، مصالح، عقل و عدل. در حالی که کاتوزیان، این نیروی الزام‌آور را ناشی از قواعد خارج از آن موارد و اقتدار قانون را از قوای مجریه و قضاییه می‌داند.^۴

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، صص ۱۸-۱۶.

۲. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۳۵ به بعد.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، صص ۳۵-۳۰.

۴. کاتوزیان، ناصر، پیشین، صص ۱۴۵-۱۳۹.

۳-۳- بحث «ویژگی قاعده حقوقی»، تا حدی مشترک در عنوان است. کاتوزیان با همین عنوان، فصلی ذیل بخش نخست (اوصاف قاعده حقوقی)^۱ و استاد جعفری لنگرودی، همین محتوا را در بخشی از کتاب تحت عنوان «عناصر تشکیل دهنده قانون»^۲ بیان کرده‌اند. از دیدگاه کاتوزیان، قاعده حقوقی دارای چنین ویژگی‌هایی است: الزام‌آور، تضمین‌شده از طرف دولت، کلی، عمومی و اجتماعی یعنی هدف آن، تنظیم روابط اجتماعی است، نه پاکی روح و وجدان انسان‌ها. استاد جعفری لنگرودی، قانون را یک قاعده حقوقی دانسته است با ویژگی‌های: ۱- برخورداری از ضمانت اجرا، استمرار و داشتن بیش از یک نمونه یا مصداق.^۳

۳-۴- در بحث منابع حقوق که مهم‌ترین موضوع در مقدمه علم حقوق است، در اینکه چه مواردی را باید به عنوان منبع حقوق در نظر گرفت، میان دو استاد، اختلاف است. کاتوزیان، منابع حقوق را قانون، عرف، رویه قضایی و اندیشه‌های حقوقی (دکترین) می‌داند. اما استاد جعفری لنگرودی به تقسیم‌بندی معمول منابع حقوق مذکور، انتقاد دارد. ایشان با ذکر مثالی از شخص قاصر و جاهلی که پدرش به سفر رفته و خبر از او قطع می‌شود و او آشنا به قوانین مرتبط با ارث نباشد و فطرت او حکم می‌کند که حیات پدر را استصحاب و آن را باقی بپندارد تا خلاف آن محرز شود؛ معتقد است منابع در موارد عنوان شده نمی‌گنجد و آن دسته اصولی است که قابل استناد برای اثبات حق یا تکلیف باشد.^۴ لذا ضمن انتقاد به این نام‌گذاری‌ها که ثمره‌ای بر آن‌ها مترتب نیست، معتقد است، اگر مقصود، قابلیت استناد به قانون و رویه قضایی باشد، این قابلیت استناد در عقل و عدل و فطرت نیز هست.^۵ لذا منابع حقوق یعنی اصول قابل استناد برای اثبات حق و تکلیف. هرچند، اهم منابع را مفصل بررسی کرده‌اند که عبارتند از: قانون، سنت، عقل، اجماع، عرف، دکترین، رویه قضایی، عدل و انصاف.^۶

۳-۵- تفاوت و انتقاد دیگری که استاد جعفری لنگرودی در موضوع منابع حقوق دارد، در بحث رویه قضایی است. ایشان با عنایت به تقسیم‌بندی حقوق دانان غربی در منابع چهارگانه علم

۱. همان، ص ۵۴ به بعد.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، صص ۲۶-۲۵.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۲.

۵. همان، صص ۴۲-۴۱.

۶. همان، صص ۸۰-۴۳.

حقوق، معتقد به خارج بودن «رویه قضایی» از عداد منابع حقوقی است، چرا که رویه قضایی، یک نمونه از مفهوم عرف به‌طور کلی است و با ذکر عرف در منابع حقوق، احتیاجی به ذکر مستقل رویه قضایی (عرف قضات) نیست. هرچند که این نقد، در حد لغت است.

۴- تفاوت دو اثر در دید کلی

دو کتاب مورد بحث، به رغم تحویلات نویسندگان‌شان در حقوق خصوصی و تعلق خاطر هر دو استاد به این عرصه، تفاوت‌های اساسی با هم دارند که موضوع قسمت آخر مقاله است.

۴-۱- استاد جعفری لنگرودی: حقوق اسلامی و اصول فقه به مثابه مقدمه علم حقوق

۴-۱-۱- استاد جعفری لنگرودی به دلیل وجود کلیاتی از علم حقوق که نمی‌توان آنها را زیرشاخه گرایش‌های خاص این علم نظیر حقوق جزا و حقوق مدنی آورد و اختصاص به گرایش خاصی ندارد؛ کتاب خود را مقدمه «عمومی» علم حقوق نامیده است؛ یعنی مقدمه محض دانش حقوق. موضوع تا اینجا، حکایت از دقت نظر استاد دارد و بحثی واژگانی است؛ اما به همین جا ختم نمی‌شود و نگاه استاد به مقوله مقدمه علم حقوق، «تاریخی و ایدئولوژیک» است. ایشان اصول فقه را نوعی مقدمه عمومی علم حقوق برای مردمانی می‌داند که در این منطقه از جهان به عنوان مسلمان زندگی می‌کنند.^۱ اما در حقیقت با نوعی جهت‌گیری به بیان این مفاهیم پرداخت است و خواننده را با قضاوت‌های ارزشی همراه می‌سازد. به دیگر سخن، چون یکی از اهداف تدوین و مطالعه مقدمه علم حقوق، شناخت کلی این دانش است. این توانایی در گرو شناخت دقیق و درک صحیح مفاهیم مورد بحث در این درس است و این یعنی، برای شناخت مقدمه محض دانش حقوق صرفاً باید به فرهنگ دینی مراجعه کرد و چون مقدمه یعنی اصول فقه، پس تفاوتی میان حقوق و فقه نیست. این نتیجه‌گیری هرچند صراحتاً در کتاب نیست، اما به طور طبیعی اخذ می‌شود و البته ادامه این سیر در آثار استاد، نیاز به مطالعه دقیق آنها و پژوهشی مجزا دارد. اما در حد مقاله حاضر، همین است.

۴-۱-۲- استاد جعفری لنگرودی اساساً فلسفه تحریر کتاب را تحولی در اصول فقه می‌داند. چنانکه ابتدا «تاریخ تحول مقدمه عمومی علم حقوق» را «تاریخ تحول اصول فقه» می‌داند،

۱. همان، ص ۳ که پیش گفتار استاد بر کتاب است.

سپس سیر کتاب‌های اصولی را بیان می‌دارد: از شیخ طوسی تا معتزلی و از سرخسی تا آقا باقر بهبهانی و شاگردش، کاشف الغطا و حلی و در این میان، به فهرست آثار ایشان هم، نقبی می‌زند و نهایتاً با تأکید بر پیشرفت فقهای عظام، بیان می‌دارد که در بخش دوم کتاب یعنی حدود نصف کتاب، ضمن اینکه اندیشه غرب و شرق را پیوند داده است، اصول فقه را با مثال‌های عینی و حقوقی آورده و از صعوبت این مهم گفته است^۱ که به واقع، چنین است و از این منظر، کار سترگی است. اما نکته اینجاست که سوای محل تامل بودن نظر استاد بر این همانی «مقدمه علم حقوق» و «اصول فقه»، فراگیری مطالب اصول فقه در گام نخست مقطع کارشناسی حقوق، محل تامل و نشدنی است و حاصلی جز ابهام و سردرگمی دانشجویان ندارد.

۴-۱-۳- کتاب از حیث جامعیت، نقایصی دارد چنان‌که فلسفه حقوق و مکاتب، نظام‌ها و تبیین شاخه‌های مختلف علم حقوق؛ ناگفته مانده و یا بسیار مختصر بوده و حق مطلب ادا نشده است. علاوه بر اینها، عمده مباحث کتاب، گرایش به حقوق خصوصی دارد و دیگر شاخه‌ها مانند حقوق عمومی، بین‌الملل و جزا، بسیار کمتر بررسی شده است.

۴-۲- کاتوزیان: تعلق خاطر به حقوق خصوصی با غلبه حقوق مدنی و ادله اثبات دعوا

کتاب کاتوزیان در قیاس با استاد جعفری لنگرودی در موارد «تنظیم ارائه مطالب و محتوای غیرایدئولوژیک و تفکیک علمی میان حقوق و فقه در عین ارتباط این دو» مطلوب‌تر است. مقدمه استاد تا پایان بخش اول، به امهات لازم برای فهمی کلی و مقدمه گونه پیش رفته. اما در بخش دوم، به تدریج، ولی پرشتاب، به سمت حقوق خصوصی محض حرکت می‌کند و به سوی میدان بازی حرفه‌ای کاتوزیان -حقوق خصوصی- می‌رود. هرچند که قدرت و تسلط در حقوق عمومی را در کتاب «مبانی حقوق عمومی» دیده‌ایم، اما در مقدمه، کار با عقود و قراردادهای ادله اثبات دعوا پایان می‌گیرد و استاد را به تعلقات و دغدغه‌هایشان می‌کشند. اگر در مقدمه استاد جعفری لنگرودی، دانشجو متمایل به این‌همانی دین و حقوق می‌شود، در اینجا، بر مودای حقوق خصوصی، او را غرق می‌کند. هر چند که استاد، اولاً؛ ذکر مطالب ادله اثبات را در مقدمه علم حقوق، از واجبات می‌دانند. ثانیاً؛ کشش بخش دوم کتاب به حقوق خصوصی را صراحتاً

عامدانه می‌دانند^۱ و در عین حال معترف است مطالب بخش دوم را «دانشجویان به تدریج و ضمن دروس دیگر فرا می‌گیرند»^۲ و شاید سخن ایشان یعنی توصیه به دانشجویان مبنی بر مطالعه مجدد کتاب پس از فراغت از تحصیل^۳ بر همین اساس است.

۵- عدالت و حقوق بشر، محورهای مختصر و مغفول هر دو کتاب

۵-۱- نوشتن مقدمه بر علوم مختلف از جمله علوم انسانی که مشخصاً با انسان و اجتماع سروکار دارند، بیان موضوعات و عناصر اصیل و عمومی آن علم است که سایر مسائل بر آن، استوار هستند. غرض از نگارش مقدمه در هر دانش، بیان محورهای بنیادین و عمومی و تبیین مفاهیم اصلی و اساسی آن است و به تعمق در روش‌شناسی نظری و بررسی ماهوی و ساختار آن علم می‌پردازد. مقدمه علم حقوق نیز، شامل مباحثی است که پیش از وارد شدن به موضوعات اصلی این رشته بیان می‌شود و به تحقیق در «مضامین کلی» این رشته می‌پردازد تا دورنمایی شفاف را به دانشجوی حقوق ارائه دهد. شناسایی معیار در مباحث اختصاصی، با دقت در اهداف و رسالت‌های مقدمه علم حقوق به دست می‌آید که همانا، درک مفاهیم اصلی و اساسی و فهم عوامل شکلی و ماهوی نظام حقوقی است که به طور خلاصه، در ماهیت، مبانی و منابع حقوق جای می‌گیرد.

حقوق که امری اجتماعی و خاستگاه آن از دل جامعه و برای جامعه است، با این انگیزه، پدیدار شده است که حسب مورد، موجبات آزادی، برابری، نظم و امنیت حقوقی را فراهم آورد تا راه رشد و تعالی افراد در جامعه هموار شود. از سویی، با پیچیدگی روابط اجتماعی و سرعت فزاینده تغییر و تحولات اجتماعی، نظام حقوقی باید نسبت به تحولات و سؤالات جدید در اجتماع، پاسخی مناسب و شایسته داشته باشد و همه اینها در گرو درک و شناخت دقیق قاعده حقوقی و بهره‌گیری از مفاهیم ابتدایی و اساسی آن است که جملگی، در مقدمه علم حقوق باید بحث شوند.

۱. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۲.

۵-۲- دو کتاب مورد بحث، به رغم بهترین بودن بعد از حدود نیم قرن، وافی به مقصود نیستند و کماکان سخت‌ترین درس دوره کارشناسی حقوق، مقدمه علم حقوق است؛ چون در بهترین حالت، ادغام این دو اثر، نیمی از هدف را بر می‌تابد و نیم دیگر، نحیف و مفقود است. توضیح اینکه امروز با توجه به تحولات عرصه جهانی و شکست حقوق (law) از حق‌ها (Rights) و جایگاه رفیع حقوق بشر و پایه آن یعنی کرامت انسانی، معیار سنجش حقوق و قانون، حق‌های بشری است و این مهم که زبان مشترک جهانی است، باید در مقدمه علم حقوق، گسترده و توضیح داده شود. امری که در دو کتاب، تقریباً مغفول است.

۵-۳- در کتاب‌های مقدمه حقوق، سخن از عدالت و رابطه حقوق و عدالت و اخلاق و دین و مذهب؛ بدیهی و الزامی است. لذا فهم مبانی حقوق یا همان عدالت و نظم ضرورت دارد. عدالت، طیفی است که یک سر آن، آزادی و سر دیگر آن، برابری است و نظر به اینکه اجماع نظریه پردازان عدالت بر هردوی اینهاست، تفاوت بر محوریت یکی از این دو است. لذا اینکه آزادی‌گرا یا برابری‌گراییم، از اینجا می‌آید و اگر نیمی از مقدمه علم حقوق به این مباحث اختصاص یابد، گزارف نیست. اما در دو کتاب مورد بحث، چنین نیست و مقوله عدالت و اجزای آن یعنی آزادی و برابری، بسیار مختصر و غیرتخصصی است و از مطالب کتاب‌های غیرحقوقی، فراتر نمی‌رود.

گویی استادان ارجمند، این مباحث پیچیده و لغزنده را بدیهی و شناخت آنها را مفروض گرفته‌اند، که نیک می‌دانیم چنین نیست. توضیح اینکه استاد جعفری لنگرودی، عدالت را بسیار زیبا و دقیق به «تعادل قانونی بین منافع موجود» تعبیر می‌کند. اما توضیح بیشتری نداده و با بیان اینکه موضوع سخت است به مطلب بعد می‌رود.^۱ در مقدمه کتاب هم، در سه صفحه به عدل و انصاف می‌پردازد^۲ و حتی بعدتر، عدالت را برابری، افاده می‌کند.^۳ همچنین در مباحث روح قانون و مبانی حقوق، رگه‌هایی از این مطالب را می‌توان یافت.^۴ کاتوزیان نیز، خیلی محدود به مبانی حقوق یعنی عدالت و نظم پرداخته و در جایی نیز به درستی، عدالت را جست و جوی منافع برتر می‌داند.^۵

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۸۴.

۲. همان، صص ۷۷-۸۰.

۳. همان، صص ۱۴۳-۱۴۱.

۴. همان، صص ۱۳۶-۱۳۵ و ۱۴۴-۱۳۹.

۵. کاتوزیان، ناصر، پیشین، صص ۲۰-۱۹ و ۶۸-۶۵.

۴-۵- تفسیرهای مبتنی بر حقوق بشر است که ما را به عدالت نزدیک می‌کند. به بیان بهتر، موازین حقوق بشر، اصل هستند و هیچ قاعده‌ای نباید خلاف آن باشد. لذا منظومه حقوق بشر در استدلال‌های قضات و وکلای آینده، نقش اصیلی دارد. اگر قاضی، رأیی صادر کند که به عدالت نزدیک‌تر باشد یا وکیل، دفاعیه‌ای را تحریر کند که قاضی را به مسیر آزادی و برابری رهنمون سازد، حقوق به سرمنزل مقصود، نزدیک‌تر شده است و همین، ضرورت طرح این مفاهیم را دو چندان می‌کند که گفتیم، کمتر به آنها پرداخته شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آثار ارزشمند مقدمه علم حقوق استادان جعفری لنگرودی و کاتوزیان به دلیل فاصله بسیار از دیگر آثار، نیز جایگاه ایشان در ادبیات حقوقی، میان دانشجویان و پژوهشگران، بسیار بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. دانشجویان باید با مطالعه مقدمه علم حقوق، قدم در راهی گذارد که فرجام آن، شناخت دانش حقوق بدون هرگونه پیش‌داوری ارزشی و آشنایی با جهان متکثر ارزش‌هاست. اینکه ماهیت حقوق، اجزای آن و مبانی و منابع را بدانند.

نکته یاد شده در کتاب استاد جعفری لنگرودی با فقه شیعه پیوند خورده و نتیجتاً ضمن برخورداری از مطالب اصیل و ممتاز، حقوق اسلامی با جزئیاتی است که نیازی به بیان آنها در این درس نیست. ضمن اینکه استاد، مرز خود با دنیای مدرن را مشخص می‌کند، مثلاً ذیل عنوان «قانون‌گذاری»، ضمن اشاره به جایگاه شارع در فرهنگ دینی، تقنین را در مواقع سکوت، مجاز دانسته و ارائه طریق می‌کند که می‌دانیم قرائت‌های رقیب نیز، توسط روشنفکران دینی ارائه شده است. در ادامه هم، جایگاه اراده ملت در قوه قانون‌گذاری را در «دموکراسی‌های لاییک» می‌داند.^۱ هم‌چنین در سطور پایانی پیش‌گفتار کتاب، به مقدمه‌نویسان و کلیات حقوق‌نویسان جوان، انتقاد می‌کند که به فرهنگ اسلامی توجه ندارند یا آن را دست دوم می‌بینند.^۲

از سوی دیگر، در کتاب کاتوزیان، هرچند مرز فقه و حقوق جدا شده و به حقوق پرداخته شده؛ به جای ترسیم همه ابعاد و شاخه‌های حقوق؛ حقوق خصوصی در چند لایه، تبیین شده و سایر گرایش‌ها و انباده شده‌اند، تا جایی که ادله اثبات دعوا و حقوق مدنی، قسمت اعظم کتاب است. هدف دانشکده‌های حقوق، تربیت قضات، وکلا، مشاوران و نویسندگان حقوقی عدالت‌خواه، هواخواه آزادی و برابری و مسلط به جزئیات حقوقی است. امری که دو مقدمه مطالعه شده، آن را در گوشه‌ای قرار داده و به فرعیات پرداخته‌اند. حقوق بشر نیز اساساً مغفول واقع شده و این در حالی است که دانشجویان باید این مقولات را وجدان نموده و عمیق و زیرپوستی، درک کنند تا بتوانند تا پایان حیات، اعم از حقوقی و غیر آن، در اتمسفر آزادی و برابری زیست کنند.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، صص ۲۸-۲۷.

۲. همان، ص ۱۱.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۳)، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، چاپ هشتم، گنج دانش.
۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، چاپ هفتاد و پنجم، شرکت سهامی انتشار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی